

## زاهدی

موضوع:

امام جماعت و مؤسس حوزه علمیه الزهراء ری

موقعیت: سرتخت خیابان مدرسی



رضای زاهدی از جوانان فعال و مسجیدی محله سرتخت می گوید: «در هر حادثه سیاسی و انقلابی که در ری اتفاق افتاده است ردی از زاهد مردمی سرتخت، مرحوم حاجت الاسلام رضاعلی زمانی به چشم می خورد. او ۹۰ سال زیست و در طول مدت زندگی پربرکتش فعالیت های مردمی بی شماری انجام داد؛ از کمک به نیازمندان محله گرفته تا رسیدگی به مشکلات اهالی و همچنین فعالیت های سیاسی که باعث شده بود محله سرتخت به قطب فعالیت های انقلابی شهر تبدیل شود.»

مهم ترین خصوصیتی که اهالی سرتخت این روحانی بزرگ را با آن می شناسند زهد و ساده زیستی اش بود. شعبانعلی می گوید: «وقتی مرحوم زمانی نجف آبادی به سرتخت آمد در خانه ای ساده ساکن شد. خانه اش در همسایگی یکی از مردان نیک سرتخت که تاجر فرش بود قرار داشت. حاج عزیزالله فرش فروش همان روز اول دو فرش به خانه حاج آقا فرستاد. نکته جالب این بود که تا زمان فوت حاجت الاسلام رضاعلی زمانی تنها همان ۲ فرش در خانه اش بود.»

اهالی به یاد دارند که این زاهد ساده زیست سال ها بدون آب و برق در خانه اش زیست هیچ گاه به فکر مال اندوزی نبود. حاج آقا زمانی به عنوان طلبه در جلسات درس امام خمینی (ره) شرکت می کرد. او قبل از تبعید امام (ره) در دهه ۴۰ برای مدتی مسئول جمع آوری شهریه ایشان در ری بود. علاقه او به امام (ره) و فعالیت در راه و مکتب انقلاب باعث شد تا بارها مورد آزار و اذیت ساواک قرار گیرد. او روحانی محبوب و عزیز اهالی سرتخت است که به عنوان یکی از مؤسسان حوزه های علمیه «فاطمه الزهراء (س)»، «امیر المؤمنین (ع)» و «سازمان تبلیغات اسلامی شهرری» یادگارهای ماندگاری از خود بر جای گذاشته.



## خاندان عطار

### نیشابوری در شهرری

نقل است که عطار در دوره ای به اجبار به ری آمده و در محدوده بقعه سه خواهران در محل امروزی پارک دانش سکنی گزیده است. او مدتی بعد از این شهر رفت اما پسرش در همین ری ماند و صاحب اولاد و فرزند شد. ۳۰۰ سال از سکونت خاندان عطار نژاد که از تبار عطار نیشابوری هستند در شهرری می گذرد و آنها بیش از ۷ دهه در محله سرتخت مسکن و ماوا داشته اند. روی سردرهای مغازه های عطاری این محدوده رد و نشان آنها مشهود و مهارتشان در این عرصه از گذشته تا به امروز در میان اهالی زیانزد است.

حاج ملاعلی جان صاحب بخشی از زمین های اطراف حرم حضرت عبدالعظیم (ع) و از عطاران بنام و قدیمی بازار ری و منزلش در محله سرتخت بود. پسر او حاج محمدحسن نیز در همان مغازه پدری به شغل عطاری مشغول شد، بعد از او هم حاج محمدرضا عطار نژاد. عضو انجمن ادبی ایران، شاعر، طبیب، حکیم و در واقع همه خصایص جدش عطار نیشابوری را به ارث برده بود. او توانست هر آنچه میراث اجدادش بود در کتابی با عنوان «ارمغان تندرستی» در زمینه داروهای گیاهی به رشته تحریر در آورد. همچنین «دیوان گوهر معرفت» از تألیفات دیگر اوست.

امیر محمد عطار نژاد، فرزند حاج محمدرضا و از کاسبان قدیمی این محله، می گوید: «خاندان ما به عطار نیشابوری بر می گردد و این موضوع مستند و قطعی است. خودم بشخصه نواده پانزدهم «عطار» هستم. پدر بزرگ بنده یعنی فرزند حاج ملاعلیجان در کوچه شاه غلامان ساکن بود. او عطار و در همین مکان فعلی در بازار قدیم ری، روبه روی پاساژ ۱۱۰ مشغول بود. حاج ملاعلیجان ۴ فرزند به نام حاج محمدرضا، حاج محمدتقی، حاج محمدحسین و حاج محمدباقر داشت که معروف ترین و برجسته ترین آنها، «حاج محمدرضا» بود که در زمینه طب سنتی و گیاهان دارویی فعالیت می کرد و بعد از آن فرزندشان کربلایی محمدحسن و بعد از او، پدر من حاج محمدرضا ساکنان این حرفه شد. اکنون هم من میراث دار این شغل هستم.»

کاسب خوشنام محله سرتخت، خاطرات قدیمی این محل را چنین روایت می کند: «حاج ملاعلیجان یکی از صحن های حرم (قبل از بازسازی حرم مطهر) سمت جنوب شرقی که الان صحن مصلحت در قدیم به نام باغچه علیجان بود. این باغچه را پدر بزرگ پدر من به حرم سیدالکریم (ع) هبه می کند که به نام ایشان هم معروف بود. بعد از او پدر مرحومم در همین مغازه مشغول به کار می شود. در قدیم پزشک در شهرری کم بود ولی مراجعه کننده زیاد. تحقیقات او درباره گیاهان دارویی بسیار گسترده بود. با بیش از ۲ هزار گونه گیاه دارویی در دشت و کوهستان آشنایی داشت. او سالی ۳ ماه به کوه، دشت و صحراهای اطراف تهران، دماوند و... می رفت و از آنجا گیاهان دارویی جمع آوری می کرد.»

## جولان پهلوان اربابی در گود مردانگی

زورخانه سنتی و قدیمی سرتخت که حالا روزهای آرامی را سپری می کند تا چند دهه قبل نماد این محله به حساب می آمد و جایی برای دورهمی های دوستانه و البته خیر خواهانه بود.

آنطور که قدیمی ها روایت می کنند، قدمت زورخانه سرتخت به عصر ناصری بر می گردد و برخی نیز قدمت آن را بیش از یک قرن تخمین می زنند اما در منابع مکتوب تاریخی به عنوان یکی از قدیمی ترین زورخانه های تهران از آن نامی به میان نیامده است. نام زورخانه سرتخت در دوره پهلوی اول با عنوان

زورخانه مرشد کاوه بر سر زبان ها افتاد. مرشد کاوه کسی بود که صدای دلنشین و دم گرمی داشت و هر هفته پهلوان های محلی را دور

هم جمع می کرد تا به قول معروف ضرب بگیرد و در مدح مولا بخواند. میدان زورخانه اما پهلوان حسین اربابی بود که قدیمی های موسسید کرده سرتخت از او به عنوان چشم و چراغ زورخانه آجری محله نام می برند. درباره فتوت و جوانمردی پهلوان اربابی روایت های مختلفی نقل شده که برخی از آنها با هویت زورخانه سرتخت عجین است. علی اربابی، نوه پهلوان اربابی که از کودکی در رکاب پدر بزرگش به زورخانه قدیمی سرتخت رفت و آمد داشته خاطرات نابی درباره این مکان قدیمی روایت می کند. او معتقد است زورخانه سرتخت یا همان مرشد کاوه یکی از نخستین زورخانه هایی بود که آیین گلریزان را در آن برپا می کردند: «مراسم گلریزان را به شکل کامل سنتی و با در نظر گرفتن آداب خاصی که باید رعایت می شد در زورخانه سرتخت برپا می کردند. پهلوان ها وقتی می خواستند زندانی آزاد کنند یا برای دختران دم بخت جهیزیه تهیه کنند در گود زورخانه دور هم جمع می شدند و لنگی پهن می کردند تا هر کسی به اندازه بضاعت کمک کند. قبل از گلریزان هم رسم بود که کوچکترها مقابل بزرگترها زانو می زدند که نشانه تواضع آنها در برابر بزرگترها بود.» حسین اربابی فردی متدین و یکه پهلوان ری بود و بسیاری از پهلوانان نامی پایتخت برای عرض ارادت به او وارد گود زورخانه سرتخت می شدند. نقل است که سیدحسن رزاز، پهلوان پسر آوازه دوره قاجار و پهلوی که از حامیان انقلاب مشروطه بود با پهلوان اربابی رفاقت دیرینه ای داشت. رفاقت دو پهلوان در حدی بود که وقتی سیدحسن رزاز به پابوس سیدالکریم (ع) رفت به رسم ادب مهمان پهلوان اربابی در زورخانه سرتخت شد تا



موضوع: زورخانه سرتخت (مرشد کاوه)

موقعیت: کوچه زنگنه



شلوغ ترین و تاریخی ترین روز این زورخانه رقم بخورد. قدیمی ها نقل می کنند که وقتی سیدحسن رزاز وارد گود شد از حفره بالای سقف گنبدی او را گلباران کردند و خیلی ها با تماشای این شور و حال وصف نشدنی اشک می ریختند. این هم رسم مهمان نوازی در زورخانه سرتخت بود که پهلوان حسین اربابی در بطن آن قرار داشت و به شیوه پهلوان های تهران قدیم به جامی آورد. «پهلوان اربابی، شهربور ۱۳۳۰ به دلیل ابتلا به سل درگذشت و زورخانه هم با گذشت زمان به کلویی برای بازی های رایانه ای تبدیل شد.»



موضوع: خاندان عطار نژاد

موقعیت: بازار ری